فصلنامهٔ نقد کتاب
ادبیات و هنر
سال دوم، شمارهٔ ۶
تابستان ۱۳۹۸

انتقاد مشفقانه و نه مغرضانه

نقدی بر تصحیح و چاپ *تذکرهٔ آفتاب عالمتاب*

● تألیف عارف نوشاهی
دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسیِ دانشگاه تهران، نسخه‌شناس پاکستانی
arifnaushahi@gmail.com
● ترجمهٔ شیوا امیرهدایی
کارشناس زبان و ادبیات اردو از دانشگاه تهران، پژوهشگر فرهنگستان زبان
sh.amirhodaii@gmail.com

این مقاله ترجمه‌ای است از مقالهٔ «تذکرهٔ آفتاب عالمتاب» که در فوریهٔ ۲۰۱۷م.، در مجلهٔ معارف (ج۱۹۹. ش۲. ص.ص۱۳۶- ۱۵۴) چاپ اعظم‌گر هند، به زبان اردو منتشر شده‌است.

چکیده

یکی از مهمترین موضوعات فرهنگی، ادبی و پژوهشی در تاریخ زبان و ادب فارسی، تذکره‌نویسی در شبه‌قاره است. فهرست عناوینی که در کتاب‌شناسی توصیفی و تحلیلی تذکره‌ها از جمله تاریخ تذکره‌های فارسی (*گلچین‌معانی*) و تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان (علیرضا نقوی) نشان‌دهندهٔ همین اهمیت تذکره‌ها است. برای شناخت شعر فارسی در دوره‌های گذشته به‌ویژه در سرزمین‌هایی که در یک دورهٔ ممتد و نسبتاً طولانی زبان فارسی از زبان‌های مهم و رایج بوده قطعاً تذکره‌های شعر فارسی از مهمترین منابع به شمار می‌آیند. تحقیق و پژوهش در شعر فارسی از طریق این تذکره‌ها نیز مستلزم تصحیح و انتشار دقیق آنها است. یکی از این تذکره‌های مهم که در شبه‌قاره تألیف شده، *تذکرهٔ آفتاب‌عالمتابِ* اختر هوگلی است که در این مقاله بنا داریم ضمن معرفی اجمالی آن به نقد و بررسی چاپ و تصحیح آن، در ایران بپردازیم.

کلیدواژه: تذکره‌نویسی، آفتاب عالمتاب، اختر هوگلی، تصحیح، نقد

فصلنامهٔ نقد کتاب
ادبیات و هنر
سال دوم، شمارهٔ ۶
تابستان ۱۳۹۸

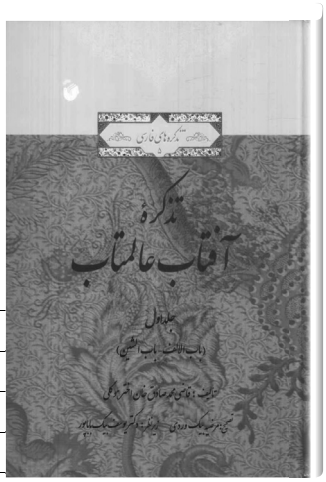

■ **اختر هوگلی، محمدصادق (۱۳۹۳). *تذکرهٔ آفتاب عالمتاب*. تصحیح مرضیه بیگ‌وردی (جلد اول) و تصحیح مریم برزگر (جلد دوم). زیرنظر یوسف بیگ‌باباپور(هر دو جلد). تهران: سفیر اردهال.**

[مدخلی بر تذکره‌نویسی در شبه‌قاره]

تذکره‌نویسی در شبه‌قاره از دیرباز موردِتوجه همگان بوده‌است. *لباب‌الألباب* (تألیف: حدود ۶۱۷ق./۱۲۲۰م.) اولین تذکرهٔ به‌دست‌آمده دربارهٔ شعرای فارسی‌گوی است که توسط محمد عوفی بخاری در منطقهٔ اُچ، واقع در ایالت پنجاب در پاکستان امروز، نوشته شده‌است. از آن زمان تاکنون، تذکره‌های بسیاری در شبه‌قاره تألیف شده‌اند که به‌تفصیل در این کتاب‌ها معرفی شده‌اند: *تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان*، تألیف سیدعلیرضا نقوی (تهران، ۱۳۴۲ش) و *تاریخ تذکره‌نویسی فارسی*، تألیف احمد گلچین‌معانی (تهران، ۱۳۵۰-۱۳۴۸ش). یکی از ویژگی‌های تذکره‌نگاری در شبه‌قاره این است که تعداد شعرای مندرج در تذکره‌ها بسیار زیاد است. محقّق معروف پاکستانی، حسام‌الدین راشدی (۱۹۱۱-۱۹۸۲م) فهرستی از این تذکره‌ها را با ذکر تعداد شعرا ارائه داده‌است، اگرچه ممکن است تعداد ارائه‌شده دقیق نباشد:

صحف ابراهیم، تألیف خلیل، تعداد شعرا: ۳۲۷۸
مخزن‌الغرایب، تألیف احمدعلی، تعداد شعرا: ۳۱۴۸
عرفات‌العاشقین، تألیف اوحدی، تعداد شعرا: ۳۰۰۰
ریاض‌الشعرا، *تألیف* واله، تعداد شعرا: ۲۵۰۰
ریاض‌العارفین، *تألیف* آفتاب‌رای، تعداد شعرا: ۲۱۵۷
مجمع‌النفایس، *تألیف* آرزو، تعداد شعرا: ۱۷۳۵

راشدی پس از درج این فهرست، یادداشت قابل‌تأملی نوشته‌است: «جای بسی تعجب است که در ایران چنین تذکره‌های مفصلی نوشته نشده‌است. این افتخار نیز مانند فرهنگ‌نویسی، نصیب شبه‌قاره شده که نه‌تنها تذکره‌های بیشتری در این‌جا نوشته شده، بلکه ازنظر تعداد شعرا و کثرت اشعار مندرج نیز گوی سبقت را ربوده‌است ... گرچه مؤلّفین *ریاض‌الشعرا* و *عرفات‌العاشقین* ایرانی بودند، ولی گویا برای تألیف تذکره، آب‌وهوا و گشاده‌دستی بزرگان

شبه‌قاره با روحیهٔ آنان سازگارتر بوده‌است» (راشدی، ۱۹۹۷م، مقدمهٔ *ریاض‌العارفین آفتاب‌رای‌لکهنوی*، اسلام‌آباد، ج۱: ۶).

[*تذکرهٔ آفتاب عالمتاب* و نویسنده‌اش]

در فهرست فوق، راشدی نام تذکرهٔ *آفتاب عالمتاب* را که می‌بایست مقدّم بر بقیه ذکر شود، فراموش کرده‌است. این تذکره حاوی شرح احوال بیش از چهارهزار شاعر است. *آفتاب عالمتاب* اثر محمدصادق‌خان، متخلّص به اختر (۱۲۰۱-۱۲۷۵ق./۱۷۸۷-۱۸۵۹م.) است. اختر فرزند قاضی محمدلعل است که سلسلهٔ نسبش به بزرگ معروف نقشبندی، خواجه عبیدالله احرار (وفات: ۸۹۵ق./۱۴۹۰م.) می‌رسد. وی در هوگلی، از توابع کلکته متولد شد. از واژهٔ اختر مادّه‌تاریخ تولد وی که ۱۲۰۱ق. است، به دست می‌آید. او ادبیات فارسی را نزد میرزا محمدحسن قتیل (وفات: ۱۲۳۳ق./۱۸۱۷م.) آموخت. اختر در ۱۲۳۲ق./۱۸۱۷م. از موطن خود به لکهنو رفت (اختر،۱۳۹۳، ج۲: ۵۱۴) و ملازم دربار اوده شد. او به‌طورخاص، نواب غازی‌الدین حیدر (حکومت: ۱۸۱۴-۱۸۲۷م) را مدح می‌گفت، چنان‌که در مدح وی *محامد حیدریه* را نوشت و تا عهد واجدعلی‌شاه (حکومت: ۱۸۴۷-۱۸۵۶م) به دربار اوده وابسته ماند. در زمان اقامتش در لکهنو به تألیف آثار مختلف اهتمام ورزید. *بهار بی‌خزان*، *حدیقةالإرشاد*، *صبح صادق*، *گلدستهٔ محبت*، *محامد حیدریه*، *مخزن‌الجواهر*، *مثنوی سراپاسوز* و غیره از آثار اوست. اختر در لکهنو درگذشت.

از میان آثار اختر، یک تذکرهٔ فارسی به نام *آفتاب عالمتاب* موجود است که به بیان شرح حال ۴۲۶۴ شاعر به‌ترتیب الفبا و بر اساس تخلّص شاعر می‌پردازد. در این تذکره، منتخبی از اشعار شاعران با مضامین عاشقانه درج شده‌است. تألیف این تذکره در ۱۲۳۸ق./۱۸۲۳م. شروع شده و در ۲۴ رمضان ۱۲۶۹ق./۱۸۵۳م. به پایان رسیده‌است. ظاهراً تألیف آن حدود سی سال به طول انجامیده‌است. این کتاب، تذکره‌ای عمومی است که دربرگیرندهٔ شرح حال شعرای فارسی‌گوی ایران، ماوراءالنهر، هندوستان، افغانستان و غیره است که به‌نظر نگارنده، اهمیت آن به‌خاطر ذکر شعرای معاصر نویسنده و نیز شعرایی است که با مؤلّف ارتباط نزدیک داشته‌اند. از این تذکره، تنها یک نسخهٔ خطی در دست است که به خاندان صفوی در شمس‌آباد (بخش فرخ‌آباد) تعلق دارد. ناهید آزرمیدخت صفوی، استاد زبان فارسی دانشگاه اسلامی علیگر، از این خاندان است و به گفتهٔ او، این نسخه در کتابخانهٔ پدربزرگ وی بوده که بعدها به پدرش، سیدمحمدصادق صفوی رسیده‌است (پیشگفتار،۲۰۱۲م: ۳). این تذکره یکی از مآخذ اصلی تذکره‌نویسان معاصر اختر و دیگر افراد بوده‌است، چنان‌که علی‌حسن‌خان در تألیف *صبح گلشن* و مظفرحسین‌صبا در تألیف *روز روشن* و ابوالقاسم محتشم در تألیف *اختر تابان* از آن بهره برده‌اند. شریف‌حسین قاسمی در مقاله‌ای با عنوان «تذکرهٔ *آفتاب عالمتاب*» در مجلهٔ غالب چاپ دهلی (قاسمی، ۱۹۸۲م، ج۳) این تذکره و نسخهٔ یادشده را معرفی کرده‌است. مقاله‌ای نیز از نگارنده، با عنوان «اختر، محمدصادق» در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* (امیرهدایی، ۱۹۹۶م، ج۷: ۱۶۳-۱۶۵) به چاپ رسیده‌است. مهدی رحیم‌پور نیز مقاله‌ای با عنوان «تذکرهٔ *آفتاب*

عالمتاب و نقد ادبی» دارد که در مجموعه‌ای به نام *زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد فرهیخته پروفسور دکتر آزرمیدخت صفوی* در ۱۳۹۴ش./۲۰۱۵م. در تهران چاپ شده‌است.

[چاپ‌های تذکره]

این تذکره حدود ۱۵۰ سال بعد از تألیف، مورد اقبال قرارگرفت و به چاپ رسید. ابتدا در ۲۰۱۲م. عکسی از نسخهٔ شمس‌آباد، به‌وسیلهٔ رایزنی فرهنگی ایران در دهلی، با عنوان *تذکرهٔ آفتاب عالمتاب، چاپ عکسی نسخهٔ خطی خانوادهٔ صفویه شمس‌آباد* چاپ شد. این چاپ به کوشش کریم نجفی‌برزگر، رایزن [فرهنگی] وقت ایران در دهلی تهیه شد و آزرمیدخت صفوی دو مقدمهٔ فارسی، در ۸ صفحه بر آن نوشت که در آن به تاریخ خاندان صفوی در شمس‌آباد، روابط اختر با این خاندان و اهمیت تذکرهٔ *آفتاب عالمتاب* اشاره کرده‌است. صفوی در مقدمه خبر داده‌است که به‌زودی چاپی انتقادی از این تذکره، به‌علاوهٔ مقدمه‌ای جامع در ایران، ازطریق فرهنگستان زبان و ادب فارسی در تهران، به چاپ می‌رساند.

پیش از نشر این اثر از سوی فرهنگستان، چاپی حروفی بر اساس همان نسخهٔ شمس‌آباد در ۱۳۹۲ش./۲۰۱۴م. در دو جلد در قطع رحلی در ایران انجام شد که مشخصات آن از این قرار است:

اختر هوگلی، قاضی محمدصادق‌خان (۱۳۹۲). زیر نظر یوسف بیگ‌باباپور. تهران: سفیر اردهال. جلد اول: باب‌الألف – باب‌الشین، ۸۸۳ صفحه و جلد دوم: باب‌الصاد ـ باب‌الیاء، ۸۶۶ صفحه.

[نقد تصحیح *تذکرهٔ آفتاب عالمتاب*]

در ابتدای هر دو جلد، فهرست شعرا درج شده‌است، امّا چنین کتاب مفصلی، در پایان فهرست اعلام ندارد و تنها در ابتدای کتاب، مقدمه‌ای در سه و نیم صفحه، به قلم بیگ‌باباپور دربارهٔ تذکره، مؤلّف و چاپ آن درج شده‌است و بس! در مقدمه تلاش چندانی برای معرفی مؤلّف نشده و نویسندهٔ مقدمه با بیان این‌که اختر شرح حال خود را در تذکره آورده (اختر، ج۱: ۷۹) و نیازی به تکرار نیست، سخن را کوتاه کرده‌است. حقیقت این است که در بخشی که اختر در این تذکره ذیل نام خود آورده، حتی یک سطر هم درمورد خود ننوشته‌است، بلکه تلاش کرده، قلم پرتکلف خود را به خواننده نشان دهد و دربارهٔ خود، به ذکر این‌که اکنون شصت سال دارد، بسنده کرده‌است (همان: ۱۹۱). البته، در صفحات متعددی از تذکره، به‌صورت پراکنده می‌توان از شرح حال اختر آگاهی یافت؛ به‌ویژه درضمن بیان احوال معاصران و دوستان شاعر، به نکات زیادی پرداخته شده که با گردآوری آن‌ها، می‌توان به سرگذشت مؤلّف دست‌یافت، اما نویسندهٔ مقدمه به این جنبه از کار توجهی نکرده و با اشاره به مشکلات متن‌خوانی نوشته‌است: «به‌دلیل تک‌نسخه بودن کار و درعین‌حال، آسیب‌دیدگی اوراق آن و گاه حذف و اضافات مؤلّف، مشکلاتی در خواندن نسخه پیش‌آمد، لذا در چنین مواردی نقطه‌چین گذاشته شد». ظاهراً به همین دلیل است که پیشاپیش اظهار کرده‌است: «با علم بر این‌که همواره کوتاه‌بینان مغرض، نه منتقدان مشفق، مترصد فرصتی هستند تا زحمات دیگران را زیر سؤال ببرند و با یافتن

ده، بیست مورد سهویات، با بی‌ادبی تمام، قصد بر تفاضل خویش و بی‌مایه نشان دادن دیگران دارند» (همان، ج۱: ۸۱). با این اوصاف، آیا نگارنده می‌تواند این تذکره را که زیر نظر ایشان چاپ شده، نقد کند یا خیر؟ از سویی، وی از دوستان نگارنده است و از سویی دیگر، تعداد غلط‌های موجود در این چاپ، ده، بیست مورد نیست، بلکه ده ضرب‌در بیست است. انتظار نگارنده این است که جزو «منتقدان مشفق» محسوب شود و نکاتی را که اشاره می‌کند، با دقت مورد مطالعه قرارگیرد و اگر درست تشخیص داده شد، در چاپ بعدی مدنّظر قرار داده شود.

لازم به توضیح است که نگارنده بیشتر، به بخش شرح احوال شعرای هندی مذکور در این تذکره پرداخته و نمونهٔ اشعار را بررسی نکرده‌است. همچنین، شرح احوال و اشعار شعرای غیرهندی چندان مورد بررسی قرار نگرفته است، زیرا برای ارائهٔ نظری جامع، لازم است سطر به سطر تذکره بررسی شود و این امر، چندین ماه زمان لازم دارد. آن‌چه در ادامه می‌آید، تنها اشاراتی مختصر است.

جلد اول:

شماره صفحه	**غلط**	**صحیح**
۱۱۶	صفی هروی	آصفی هروی
۱۱۶	قمی	آصف قمی
۱۱۷	کلکنده	گلکنده
۱۱۹	بنیان معرفت	انبان معرفت
۱۱۹	هبر و رانجها	هیر و رانجها
۱۱۹	صد و هشتاد کرده	صد و هشتاد کروه (کروه: واحد اندازه‌گیری)
۱۲۰	کاتیهه سری با سبت	کایته سری باستب (شری واستو، نام قومی هندو است که به‌صورت‌های مختلفی در این چاپ درج شده، مثال‌های آن در ادامه ذکر خواهد شد.)
۱۲۲	تبایر	نبایر (همین اشتباه در صفحات ۳۵۴، ۶۲۶، ۳۵۵ و ۶۸۸ نیز تکرار شده‌است.)
۱۲۵	شماسه‌العنبر	شمامة‌العنبر
۱۳۲	جدار رحمت	جوار رحمت
۱۳۳،۵۹۹	بند سورت	بندر سورت
۱۵۷	ابوالفضل تاگوری (در همین صفحه ۳ بار تاگور ضبط شده‌است.)	ابوالفضل ناگوری
۱۸۷	کایته سری با نسب	کایته سری باستب
۱۸۷	پرکنه	پرگنه
۱۸۷	مردوار	مُردار
۱۸۷	مشاهده	مشاهره
۱۸۷	هم‌محبتی	هم‌صحبتی

۱۹۱	حشیم‌بری (نام کتابی تاریخی درج شده که خدا داند صحیح آن چیست؟)	
۱۹۱	بدمال	بدمآل
۲۰۱	بر چوپاله سوار می‌شد	[شاید] چوپایه [به معنی چهارپایه]
۲۰۱	سری باسنب	سری باستب
۲۱۰	عمدهٔالملک	عمدةالملک

فصلنامهٔ نقد کتاب
ادبیات و هنر
سال دوم، شمارهٔ ۶
تابستان ۱۳۹۸

در سراسر کتاب هرجا تای گرد (ة) بوده، به های همزه‌دار (ۀ) تبدیل شده‌است. نک: ص۲۶۳: زکوهٔ حسن، ص۴۶۵: تحفهٔالمجالس، ص۴۷۶: ودیعهٔالبدیعه، ص۷۹۶: تحفهٔالکبیر، غرهٔالکمال،غایهٔالمطالب.

۲۲۳	ولرس بانو	دلرس بانو
۲۳۴	کورنر جزل [ج ز ل]	گورنر جنرل [ج ن ر ل] (همین اشتباه در صص۴۵۰-۴۵۱ و ۶۶۱-۶۶۲ نیز تکرار شده‌است.)
۲۳۴	کلکترست	گلکرست
۲۳۴	باغ اردویز	باغ اردو
۲۴۱	بچه کله‌داری علاقه کوراعلم	کل جملهٔ بی‌معنی است.
۲۴۷	متن نام لولنی	منن نام لولی
۲۵۷	صوب‌داری	صوبه‌داری
۲۵۷	مستعلا گردید	مستعد گردید
۲۵۷	مشرفستان	مشرقستان
۲۵۷	تفسیر و حدیق	تفسیر و حدیث
۲۶۳	بهاکوت	بهاگوت
۲۷۰	بیخباتهه	بیج ناته
۲۷۱	چگله	چنگله
۲۷۴	به زریعه	به ذریعه
۲۸۸	همواره بود	همراه بود
۳۰۲	کارکوروی	کاکوروی
۳۰۲	اعظم‌کده	اعظم‌گده
۳۰۳	بهویت رای قدم بلّال	بهوپت‌رای، منظور از قدم بلّال مشخص نیست.
۳۰۳ حاشیه	مولوی مدن [کذا]	نیازی به کذا نیست، زیرا این نام صحیح است.
۳۰۸	کنکا پرشا	گنگا پرشاد
۳۱۱	نپنک	[شاید] پتنگ
۳۱۱	ظلعت فاخره	خلعت فاخره

۳۱۲	حکت رای	جگت رای
۳۱۳	به کعبه بروم و بازش	به کعبه بردم و بازش
۳۱۴	چنبور	چتور
۳۱۶	بهکوان‌داس	بهگوان‌داس
۳۱۷	کورکه‌پوری	گهورکه‌پوری (این اشتباه در ص۴۴۲ و ج۲، ص۸۴۷ نیز تکرار شده‌است.)
۳۱۸	در کاپرشاد	دُرگاپرشاد (همین اشتباه در ج۲، ص۵۷۰ نیز تکرار شده‌است.)
۳۲۶	ذکریا (دو بار)	زکریا
۳۲۶	سلیه‌الدین	وجیه‌الدین
۳۲۹	قطب‌الدین بیک	قطب‌الدین ایبک
۳۳۳	نیک‌چند	تیک‌چند
۳۳۳	کتاب عجم	کتاب *بهار* عجم
۳۳۳	در اصلاحات فارسی	در اصطلاحات فارسی
۳۳۴	جوگل کیشور	جُگل کشور
۳۳۴	علام قطب‌الدین	غلام قطب‌الدین
۳۳۴	شاعری به نام بهگوان‌داس‌لکهنوی ذکر شده و مؤلّف، شرح حال همین شاعر را ذیل بسمل‌لکهنوی (ص۳۱۶) نیز آورده‌است. ممکن است مصحّح و ناظر تذکره با شعرای هندوستان آشنا نبوده باشد وگرنه، به این تکرار اشاره می‌کرد. معلوم است که مؤلّف تذکره هم توجهی به این تکرار نکرده‌است.	
۳۵۱	لباون لعل قوم کاتبهه	بساون لعل قوم کایته
۳۵۲	برای جبین ز غضب شد چو آشکار گره	مصرع وزن ندارد.
۳۵۳	شاه لرها	شاه لدها
۳۸۱	چکله	چگله
۳۸۲	کوپال رای	گوپال رای (در جلد۲، ص۷۵۵ نیز جی‌کوپال آمده که جی‌گوپال صحیح است.)
۳۹۵	منوهریز یاد کرده‌اند	منوهر نیز یاد کرده‌اند
۴۳۶	کنج سکر	گنج شکر

۴۳۷	سرالعارفین	سیرالعارفین
۴۴۲	بهاکلپوری	بهاگلپوری
۴۴۴	پهلواردی	پهلواروی
۴۴۷	هان خاتون	جهان خاتون
۴۴۸	اکرواله	اگرواله (همین اشتباه در ج۲، ص۲۴۵ نیز تکرار شده‌است.)
۴۵۰	کسر	به‌عنوان نام محلی آمده که به‌نظر نگارنده صحیح نیست.
۴۵۰	درنبولا	درین ولا
۴۵۱	مترهوک	مسترهوک
۴۵۱	چنارکده/لطیف‌کده	چنارگده/لطیف‌گده
۴۵۱	بی‌رحمتی	بی‌رحمی
۴۵۱	میچر پایم	میجر پایم
۸۸۲، ۴۵۱	قرار بر قرار	قرار بر فرار
۴۵۲	قلاقه	علاقه
۴۵۲	نزاین	نراین (ج۲، ص۶۵۹ نیز همین اشتباه تکرار شده‌است.)
۴۷۱	سندپلوی	سندیلوی [منسوب به سندیله]
۴۹۱	بهار بی‌خبران	بهار بی‌خزان (از تصانیف اختر)
۴۹۲	فنطت	فطنت
۴۹۹	سلاست‌الله	سلامت‌الله
۵۰۵	کوربخش	گوربخش
۵۰۶	علی منقی	علی متقی
۵۲۰	فریب‌خانه	غریب‌خانه
۵۲۰	تهمید	تمهید
۵۲۰	معتصف	متصف
۵۲۰	لچهمین	لچهمن یا لچهمی
۵۲۷	چکله‌دار	چگله‌دار
۵۲۸	آه‌آه امتیازخانه	آه‌آه امتیازخان [ماده تاریخ/۱۱۲۲]
۵۴۸	جکت‌گرو	جگت‌گرو
۵۴۸	عشیقه	عشقیه [نام کتاب]
۵۷۳	بند راین	بندرابن، یک واژه یا نام است.
۵۷۴	کوپاموی	گوپاموی
۵۸۹	*شاهنامهٔ فرخ سپهری*	*شاهنامهٔ فرخ‌سیری*
۵۸۹	راجه سناب‌رای	راجه شتاب‌رای

۵۹۰	منسبی	منشی
۵۹۰	میرنسبی	میرمنشی
۵۹۰	عازی‌الدین حیدر	غازی‌الدین حیدر
۵۹۰ ، ۶۸۲	قصبهٔ ملاکوه/قصبهٔ ملانوه	هر دو نام یک جاست، ولی هر دو مشکوک است.
۵۹۰	لاله نسنبی رام	لاله بستی رام
۵۹۰	قوم کایته سری	قوم کایته سری باستب
۵۹۰	میرزا قتیل محروم	میرزا قتیل مرحوم
۵۹۰	وفاق جوشی بتان دلکشی دارد	عبارتی مهمل است
۵۹۵	ناله در	*نالهٔ* درد [نام کتاب]
۵۹۵	از دکن به دهلوی رسید- مورد عنایات شاه ولی‌الله سرهندی شد.	شاید جمله بدین صورت صحیح باشد: از دکن به دهلی رسید- مورد عنایات شاه ولی‌الله دهلوی شد.
۵۹۵	میرزا مظهر خانخانان	میرزا مظهر جانجانان
۵۹۵	مولی جهیل	موتی جهیل
۵۹۶	پندت امرنامهه	پندت امرناتهه
۵۹۹	تاریخ بداولی	تاریخ بداونی
۶۰۱	همواره باروای بسر می‌برد.	شاید چنین باشد: همواره با وی بسر می‌برد.
۶۰۳	راجه مهابراتن	راجه مهانراین
۶۱۱	حیدر بنگ خان	حیدر جنگ خان
۶۱۳	نه شکوفه، نه برگی، نه سایه دارم	این مصرع باید چنین باشد: نه شکوفه‌ای، الی آخر
۶۱۷	دو شاعر با عناوین ذهن‌دکنی و ذهن‌لکهنوی درج شده‌است.	در تذکرهٔ *روز روشن*، تخلّص این دو شاعر ذهین است.
۶۱۷	یک مصرع با نقطه‌چین این‌طور درج شده: چهرهٔ زیبایی... که خویش شب دیدم به خواب	در تذکرهٔ *روز روشن*، این‌طور درج شده: چهرهٔ زیبای یار خویش شب دیدم به خواب
۶۱۷	برهان علی‌خان ذهن	برهان علی‌خان رهین
۶۱۷	سبک گوی محبت نام کردند	سگ کوی محبت نام کردند
۶۲۶	از وطن به دهلوی رفته، در هنگامه ایدالی اراسحا به لکهنو آمده	این جمله باید این‌طور باشد: از وطن به دهلی رفته، در هنگامهٔ ابدالی از آن‌جا به لکهنو آمده [تصحیح قیاسی]
۶۲۸	راسخ سیالکوتی	رایج سیالکوتی
۶۳۰	عبدالاجد	عبدالاحد
۶۳۰	ادنامی/ادنام	اونامی/اونام
۶۳۰	شاه زمین	شاه زمن

۶۳۷	رسای...[در حاشیه ذکر شده که این قسمت محو شده و خوانا نیست.]	در تذکرهٔ *روز روشن* رسای‌پنجابی معرفی شده‌است.
۶۳۷	ناش	نامش
۶۴۲	بحشو	بخشو

در صفحات ۷۸۶، ۷۵۱، ۴۶۷، ۶۴۴ و غیره نسبت چند شاعر، لاهنجی درج شده که حتماً لاهیجی درست است. در جلد دوم، صص ۱۶۲، ۴۰۰ و ۷۰۵ نیز همین اشتباه تکرار شده‌است. به‌عنوان مثال، در جملهٔ «نادم‌گیلانی چون اصلش از لاهنجان است، بعضی... او را لاهنجانی نوشته‌اند» (همان، ج۲: ۷۰۰).

فصلنامهٔ نقد کتاب
ادبیات و هنر
سال دوم، شمارهٔ ۶
تابستان ۱۳۹۸

۶۴۴	رضی سوسنبری	رضی شوشتری
۶۵۸	قلابه‌الجوایز	قلایدالجواهر
۶۵۸	شهر موپال	شهر بهوپال
۶۶۲	فی‌الکلام کاللح	فی‌کلام کالملح
۶۶۵	الا تربهم فی کل واد مهمون	این آیه بدین صورت است: اَلَم تَرَ اَنّهُم فی کُلِّ وادٍ یَهیمون (الشعراء/ ۲۲۵)
۶۷۹	زنبیرپور	رنبیرپور
۶۸۷	محمد حیات مدتی	محمد حیات مدنی
۶۹۱	منیدو لعل	میندو لعل
۷۰۴	زیب‌النسابی	زیب‌النساء بیگم
۷۰۵	کوبندرام	گوبندرام
۷۴۲	سرسر سیالکویی	سرابی سیالکوتی
۷۵۳	قرآن ثانی	قران ثانی

از صفحهٔ ۷۶۹ احوالات سلامی اصفهانی شروع شده و صفحهٔ ۷۷۰ سفید چاپ شده و در ادامه، صفحهٔ ۷۷۱ با شرح حال سلام‌الله قاضی‌کاشانی شروع شده‌است؛ ظاهراً شرح حال چند نفر جا افتاده‌است.

۷۹۶	نام تذکرهٔ سیدعلی‌کبیر معروف به میرن‌جان «بستان‌الشعرا» درج شده‌است.	تذکرهٔ *خازن‌الشعرا* صحیح است.
۸۰۹	قوم کاتبهه (دو بار)	قوم کایته
۸۰۹	کلاب رای	گلاب رای
۸۱۰	شایق جالیبی	شایق جایسی
۸۱۰	ناکپور	ناگپور
۸۱۰	شایق تکراری	شایق نگرامی

۸۱۰	شاه عبدالعزیز محمد شاه دهلوی	شاه عبدالعزیز محدث دهلوی
۸۱۴	بهگر	بهکر (همین اشتباه در ج۲، ص۸۵۸ نیز تکرار شده‌است.)
۸۱۶	کهگر	گهکر
۸۲۳	مجذوم‌الملک	مخدوم‌الملک
۸۲۴	علاءالدین خلیجی	علاءالدین خلجی
۸۳۰	شرح چغمنی	شرح چغمینی
۸۳۸	کهنو	لکهنو
۸۴۵	لچهمین	لچهمی
۸۴۵	چمستان	چمنستان (نام کتاب)
۸۶۱	صیعه	صیغه
۸۶۶	بهکوان	بهگوان
۸۸۱	شیری سیالکویی	شیری سیالکوتی
۸۸۲	به فوت آن	به قوت آن
۸۸۲	سیهسرام	سهسرام
۸۸۳	مناظرهٔ منشی فیروز با شیدا	مناظرهٔ منشی منیر با شیدا

فهرست طویلی که از اشتباهات مندرج در جلد اول ارائه شد، به‌منزلهٔ مشت نمونهٔ خروار است. وضعیت جلد دوم نیز همین‌گونه است و نگارنده با تورق چند صفحه، مشکلات جلد اول را در جلد دوم نیز مشاهده نمود.

ـ صفحهٔ ۸۸: نسبت یکی از شاعران، صافی اجگیری و موطن وی، اجگیر در صوبهٔ بهار درج شده که قطعاً همان راجگیر بوده‌است.

ـ صفحهٔ ۱۳۳: دربارهٔ ضمیردهلوی نوشته شده: «در زبان کتاب‌ها دخل تمام‌تر داشت»؛ به این معنی که او زبان کتاب‌ها را خوب می‌فهمید. به‌نظر نگارنده، این جمله نامفهوم است. دربارهٔ همین شاعر می‌نویسد: «به علم‌داری به بندر سورت سرفرازی یافته»؛ این جمله قطعاً چنین است: «به عمل‌داری به بندر سورت سرفرازی یافته». همین اشتباه در صفحهٔ ۶۳۶ نیز تکرار شده که عمل‌داری را «علم‌داری سرکار انگریزی...» نوشته‌است.

ـ صفحهٔ ۱۶۵: «فتح عزیمت کرد» آمده که «فسخ عزیمت» درست است.

ـ صفحهٔ ۱۷۷: از شاعر معروف ایرانی، ظهیرالدین عبدالله ظهیر شفروه نام برده شده که دو بار به‌اشتباه، این شاعر «شفرده‌ای» درج شده‌است. از این اشتباه می‌توان چنین برداشت کرد که مصحّح از شعرای معروف هم‌وطن خود بی‌اطلاع است.

ـ صفحهٔ ۱۱۲: شاعری به نام «صداقت کنجاهی» به‌اشتباه، «صداقت گنجائی» درج شده، همچنین او را برادر غنیمت گنجائی دانسته‌اند، درحالی‌که او برادرزادهٔ غنیمت بود. مصرعی از شعر صداقت چنین درج شده: «لیلی سرمه به صد ناز به به خود می‌بالد» که صحیح آن چنین است: «لیلی سرمه به صد ناز به خود می‌بالد».

ـ صفحهٔ ۲۰۰: عبارت «در خیر تنمیق و تألیف درآورده» درج شده که «در حیّز...» درست است.

ـ صفحهٔ ۲۱۹: بزرگ سلسلهٔ چشتی، «عبدالقدوس گنگوهی چشتی» به‌اشتباه، «عبدالقدوس کنکوی چینی» درج شده‌است.

ـ صفحهٔ ۲۲۴: نام یک قریه «سند هکهر» نوشته شده که صحیح آن «بهکر/بکهر» است.

ـ صفحهٔ ۲۲۴: اثر معروف عبدالواحد بلگرامی «سبع سنابل» فقط «سنابل» درج شده‌است.

ـ صفحهٔ ۲۴۱: «آبای‌کرام» را «آبای‌گرام» نوشته‌است.

ـ صفحهٔ ۲۵۴: یک نام هندو «رای‌نسکهه» نوشته شده که احتمالاً «رای‌نین‌سکه» است.

ـ صفحهٔ ۲۸۸: گاهی ناآگاهی مصنف موجب تعجب می‌شود؛ اختر دربارهٔ صوفی مشهور دهلی، خواجه محمدناصر عندلیب می‌نویسد: «کجایی است؟ معلوم نشد!»

ـ صفحهٔ ۳۰۶: یک بیت چنین درج شده:

در زغن بنگر که می‌گوید خروس عرشی‌ام در جمل بنگر که می‌گویم که گاو عنبرم

در مصرع دوم نیز به‌جای «می‌گویم»، باید «می‌گوید» باشد.

ـ صفحهٔ ۳۱۴: دربارهٔ غنیمت کنجاهی می‌نویسد: «وی مفتی‌زادهٔ قصبهٔ کنجاه از مضافات گجرات و به قولی، از مضافات پنجاب بوده». از این عبارت پیداست که اختر گجرات را جایی جدا از پنجاب می‌دانسته، درصورتی‌که مراد از آن، همان گجرات پنجاب است. کنجاه در ده کیلومتری گجرات پنجاب واقع است.

ـ صفحهٔ ۳۴۳: در عبارت «جالسیر که محل چاکیرش بود» چاکیر اشتباه است و باید جاگیر باشد.

ـ صفحهٔ ۳۴۵: سال وفات فریدالدین‌گنج‌شکر را این‌طور نوشته: «سال سیصد و شصت و چهار»؛ اگر این اشتباه از مؤلّف نباشد، از جانب مصحّح است که ششصد را سیصد خوانده و درج کرده‌است.

ـ صفحهٔ ۳۶۳: «جگل کشور» به‌اشتباه، «جکل کشور» درج شده‌است.

ـ صفحهٔ ۳۷۹: «رام‌چند متبولی» اشتباه است و «تنبولی» درست است. در ادامه، *مطوّل* را اثر علّامه نصارانی آورده‌است. به‌عبارت‌دیگر، مصحّحان این کتاب با نام علامه تفتازانی، عالم مشهور اسلام بیگانه‌اند.

ـ صفحهٔ ۳۸۲: تخلّص میرعظمت‌الله بلگرامی «تبحر» درج شده که صحیح آن «بی‌خبر» است.

ـ صفحهٔ ۳۹۳: «شیخ نصرالدین چراغ دهلی» نادرست است و شیخ نصیرالدین صحیح است.

ـ صفحهٔ ۳۹۶: «شیخ‌الهدا» نادرست و «شیخ‌الهداد» صحیح است.

ـ صفحهٔ ۴۰۲: «حسین باجی» نادرست و «حسین ناجی» صحیح است.

ـ صفحهٔ ۴۱۷: تخلّص داراشکوه «قادر» درج شده، درحالی‌که در تمام تذکره‌ها و نیز دیوان چاپ‌شده، تخلّصش قادری نوشته شده‌است.

ـ صفحهٔ ۴۱۸: نام نواب «عنایت‌الله» به‌اشتباه، «عتاب‌الله» درج شده و اصلاً توجه نشده که «عتاب‌الله» نمی‌تواند نام کسی باشد.

ـ صفحات ۴۲۲-۴۲۳: ضمن بیان شرح حال قتیل لکهنوی، چندین مرتبه نام وطن قتیل، به‌جای «باغ‌پت» به‌اشتباه، «باغیث» درج شده‌است. در جمله‌ای چنین آمده: «سعادت‌علی‌خان بذریعه ایران نامدار طالب ملاقات شدند». نگارنده متوجه عبارت «ایران نامدار» نشد! سال وفات قتیل ۱۲۰۳ق. نوشته شده که باید ۱۲۳۳ق. باشد. «طالب علی عیشی» را هم «طالب علی عشی» درج کرده‌اند.

ـ صفحهٔ ۴۳۳: به‌جای «راجکی» باید «راجگی» باشد.

ـ صفحهٔ ۴۴۰: «قطب دهیلوی» نادرست و «دهلوی» صحیح است.

ـ صفحهٔ ۴۴۲: «تاناشاه» را به‌اشتباه، «ناناشاه» نوشته‌است.

ـ صفحهٔ ۴۴۴: «پرنابکده» اشتباه و «پرتاب‌گده» صحیح است.

ـ صفحهٔ ۴۹۶: «جی‌گوپال» به‌اشتباه، جی‌کوپال درج شده‌است.

ـ صفحهٔ ۵۳۰: شرح حال محی‌گیلانی(شیخ عبدالقادر گیلانی) و در ۵۳۱، شرح حال محیی‌الدین‌ابن‌عربی به‌عنوان شاعر درج شده‌است. مؤلّف نتوانسته نمونهٔ شعری از ابن‌عربی ارائه دهد، ولی دربارهٔ محی‌گیلانی نوشته‌است که گاهی، شعر فارسی می‌سرود و چند بیت به‌عنوان نمونه آورده‌است. به‌همین‌ترتیب، در صفحهٔ ۶۱۱، معین‌الدین چشتی‌سنجری و در صفحهٔ ۷۳۷، نظام‌الدین اولیا را به‌عنوان شعرای فارسی مطرح کرده و نمونهٔ شعر از آن‌ها ارائه کرده‌است. چنین مندرجاتی نشانهٔ کار غیرتحقیقاتی مؤلّف است؛ چراکه هیچ‌یک از افراد مذکور، شاعر اشعاری که به آن‌ها نسبت داده شده، نیستند.

ـ صفحهٔ ۵۴۳: در جملهٔ: «خواست که محلّه علی ولی‌الله، وصی رسول‌الله در خطبه جاری نماید»، کاملاً مشخص است که در این‌جا «محله» بی‌معناست و این واژه باید «جمله» باشد. در همین صفحه، نام پسر شاه عالم به‌جای «عظیم‌الشأن»، «عظیم‌ایشان» درج شده‌است!

ـ صفحهٔ ۵۷۵: نسبت یک شاعر ایرانی به نام مرشد بروجردی به‌اشتباه، «یزدجردی» درج شده‌است. در صفحهٔ ۸۳۰، در باب میرمحمدهادی بروجردی نیز همین اشتباه صورت گرفته‌است.

ـ صفحهٔ ۵۸۳: به‌جای «رام‌دیال» به‌اشتباه، «رام‌ویال» نوشته شده‌است.

ـ صفحهٔ ۵۸۵: قوم «سکسینه» به‌اشتباه، قوم «سکستیه» درج شده‌است.

ـ صفحهٔ ۵۹۴: در عبارت: «در زبان بهاکها کتب و ودها به کمال پاکیزگی می‌گفت»، واژهٔ «ودها» غلط است و بایستی «دوها» درج می‌شد. «دوها» در زبان هندی یکی از انواع چهاربیتی‌هاست.

ـ صفحهٔ ۵۹۵: «منشی بیجباتهه» اشتباه است و «منشی بیج‌ناته» صحیح است.

ـ صفحهٔ ۵۹۹: تخلّص شاه غلام قطب‌الدین الهآبادی که «مصیب» است، به‌اشتباه، «مصیبت» درج شده‌است.

ـ صفحهٔ ۶۰۰: در جملهٔ «باشذه اطراف لکهنو»، به‌جای واژهٔ «باشنده» به‌معنی «مقیم»،

مصحّحان کتاب از واژهٔ «باشذه» استفاده کرده‌اند که این واژه نیز در فارسی بی‌معنی است.

ـ صفحهٔ ۶۰۷: «تفصیل» به‌اشتباه، «تفضیل» درج شده‌است.

ـ صفحهٔ ۶۱۱: در عبارت: «به سیادت بلاد عرب و عجم برآمد»، «سیاحت» را به‌اشتباه، «سیادت» نوشته‌اند. در همین صفحه، «رای پتهورا» را به‌اشتباه، «رای تهپورا» نوشته‌اند. در همین صفحه، شیخ اوحدالدین‌کرمانی و شیخ‌الشیوخ شهاب‌الدین سهروردی را مرید شیخ معین‌الدین چشتی سجزی دانسته‌اند.

ـ صفحهٔ ۶۲۶: در عبارت: «بحر شرب مدام...خبر نداشت»، «جز شرب مدام» صحیح است.

ـ صفحهٔ ۶۴۵: در عبارت: «دیوانش از قصاید و غزل و مخمس و غیره غریب به چهل هزار بیت خواهد بود»، کاملاً واضح است که «غریب» اشتباه و «قریب» صحیح است.

ـ صفحهٔ ۶۵۱: دربارهٔ یک طبیب این جمله درج شده‌است: «در فن طبابت صداقت به کمال داشت»؛ با اندک دقّتی معلوم می‌شود که به‌جای صداقت، باید حذاقت نوشته می‌شد.

ـ صفحهٔ ۶۹۴: عبارت: «در اول ملاقات با من کج ناحیه بود»، عبارتی کاملاً مهمل است، زیرا این عبارت ذیل احوال ناطق مکرانی آمده، به‌جای «کج» یقیناً «کچ / کیچ» صحیح است و شاید این عبارت، به این صورت باشد: «اول ملاقات با من در کچ ناحیه بود».

ـ صفحهٔ ۶۹۵: «دهنپت‌رای» به‌اشتباه، «دنهپت‌رای» درج شده‌است.

ـ صفحهٔ ۷۰۲: نسبت ناله رومی «اسلام‌لولی» درج شده که صحیح آن «اسلام‌بولی(استامبولی)»است.

ـ صفحهٔ ۷۱۵: ذیل معرفی آثار مؤلّف معروف، ضیاءالدین نخشبی نام یکی از کتاب‌های او، «ناموس» درج شده و در حاشیه توضیح داده شده که به‌دلیل آسیب‌دیدگی نسخه، قابل قرائت نبوده‌است؛ این باید کتاب معروف ضیاء، *چهل ناموس* باشد که در سال ۱۳۸۸ش. در ایران چاپ شده و پیداست که مصحّحان کتاب، از وجود آن بی‌خبر بوده‌اند.

ـ صفحهٔ ۷۲۴: این بیت درج شده:

هر قوم راست رای و دینی و قبله‌گاهی من قبله راست کردم بر همت کج‌کلاهی

که صورت صحیح این بیت معروف، چنین است:

هر قوم راست راهی، دینی و قبله‌گاهی من قبله راست کردم بر سمت کج‌کلاهی

ـ صفحهٔ ۷۳۵: لقب یکی از شاعران «فجرالشعرا» درج شده که یقیناً «فخرالشعرا» صحیح است.

ـ صفحهٔ ۷۵۵: «واژهٔ بایوکالی‌شنگر» اشتباه است و صحیح آن «بابوکالی‌شنکر» است. در همین صفحه «العزیزالوجود» درج شده که بهتر است، «عزیزالوجود» باشد.

ـ صفحهٔ ۷۸۴: ذیل احوالات واقف پتیالوی شهر «پتیاله» به‌اشتباه، شهر «پیاله» درج شده‌است.

ـ صفحهٔ ۷۹۰: مؤلّف دربارهٔ شاعر ایرانی، سلیم تهرانی نوشته‌است که ظلّ سبحانی، اورنگ‌زیب عالمگیر او را از ایران فراخواند! اگر مصحّحان کتاب جمله را درست نقل کرده باشند، خطای مؤلّف است که نمی‌دانسته، سلیم خیلی پیش‌ازآن، از ایران به هند آمده، به دربار پدر

اورنگ‌زیب، شاه‌جهان وابسته بوده و پیش از به تخت نشستن اورنگ‌زیب، در ۱۰۵۷ق. فوت کرده‌است.

ـ صفحهٔ ۸۲۱: نام یک کایته نوازی‌دهن درج شده که به‌نظر بنده، مشکوک است.

ـ صفحهٔ ۸۴۳: «ملاقاسم‌کاهی» را «گاهی» نوشته‌اند.

نگارنده با ملاحظهٔ اشتباهات ذکرشده، چنین نتیجه می‌گیرد که:

الف) مصحّحان تذکره، به اعلام و اصطلاحات هندوستان ناآشنا هستند و هیچ تجربه‌ای در این زمینه ندارند.

ب) در خواندن صورت نهایی قبل از چاپ تذکره، هیچ دقّتی نشده‌است.

ج) مصحّحان درزمینهٔ خواندن نسخ خطی، به‌ویژه نسخ خطی شبه‌قاره بی‌تجربه بوده‌اند.

د) مصحّحان قطعاً جهت برطرف‌کردن اشکالات، به منابع دیگر مراجعه نکرده‌اند؛ اگر تذکره‌های دیگر مورد بررسی قرار می‌گرفت، اشتباهات موجود کمتر می‌شد. حتی درموردی، آیهٔ قرآنی نیز اشتباه درج شده‌است و مصحّحان زحمت مراجعه به نص قرآنی را به خود نداده‌اند.

جای بسی تعجب است که برخی از کلمات معروف فارسی یا عربی را چندین مرتبه اشتباه نوشته‌اند؛ مثل نبایر (جمع نبیره) که در چندین محل «تبایر» درج شده و یا «قرار بر فرار» را در دو جا «قرار بر قرار» نوشته‌اند. این اشتباهات در اصل، به‌خاطر ضعف قرائت متن است.

متون مربوط به شبه‌قاره که در سال‌های گذشته در ایران تدوین و چاپ شده‌اند، از نظر صحّت و درستی املای اعلام و اصطلاحات محلی هندوستانی همیشه زیر سؤال بوده‌اند و این چاپ تذکرهٔ *آفتاب عالمتاب*، نمونهٔ دیگری از این دست است.

بر روی هر دو جلد تذکره، این کار، «تصحیح» قلمداد شده و زیر نظر یک فرد به چاپ رسیده‌است، ولی این کار را نه می‌توان تصحیح نامید و نه تحتِ‌نظر مسئولانه‌ای چاپ شده‌است. چنین کاری را حداکثر، می‌توان کپی تایپ‌شده‌ای از یک نسخه دانست و اطلاق لفظ «تصحیح» و «زیرِنظر» به آن منصفانه نیست. در تصحیح یک متن بر اساس یک نسخهٔ منحصربه‌فرد، وجود یک سری اشکالات و نواقص امری طبیعی است، ولی محققّان مسئول و باکفایت، با پیش‌رونهادن منابع مورد استفادهٔ مؤلّف، عبارات، اسامی، تخلّص‌ها، اماکن جغرافیایی و اشعار را تصحیح و نواقص را برطرف می‌کنند. مؤلّف تذکرهٔ *آفتاب عالمتاب* تمام منابع مورد استفادهٔ خود را ذکر کرده‌است، ولی مصحّحان تذکره حتی زحمت مراجعه به یکی از این منابع را به خود نداده‌اند! به همین دلیل است که در این چاپ، عبارت‌ها، نام‌ها، تخلّص‌ها، اسامی جغرافیایی و اشعار اشتباه درج شده و مصحّحان به ذکر جملهٔ «نسخه آسیب دیده و چند واژه قابل قرائت نیست»، در پاورقی بسنده کرده‌اند.

می‌توان‌گفت که این چاپ از تذکرهٔ *آفتاب عالمتاب*، موجب شده تا این نسخهٔ خطی منحصربه‌فرد، از گوشهٔ گمنامی درآید و در اختیار عموم قرارگیرد و تا حدی،

مـورد اسـتفاده واقـع شـود. امید اسـت، فرهنگسـتان زبـان و ادب فارسـی این تذکـره را با کیفیـت مناسـب به چاپ برسـاند.

نتیجه‌گیری

نگارنـدهٔ ایـن سـطور بـا دیـدن بسـیاری از متـون شـبه قاره کـه در سـال هـای اخیر در ایـران چاپ شـده اسـت، به ایـن نتیجه رسـیده که اغلـب مصحّحان بدون آشـنایی کافی بـا اعـلام تاریخـی و جغرافیایـی و منابـع شـبه‌قاره و حـال و هـوای شـبه‌قاره، دسـت بـه تصحیـح می‌زننـد و در نتیجـه، کار غلـط از آب در می‌آیـد. «تصحیـح» *تذکـرهٔ آفتـاب عالمتـاب* نمونـهٔ بـارز آن اسـت. تنهـا امتیـازی کـه می‌تـوان بـه ایـن اثـر داد، این اسـت کـه نسـخهٔ خطـی منحصـر به‌فـرد از گوشـهٔ گمنامـی درآمـده و در اختیـار عمـوم قـرار گرفته‌اسـت تـا حـدی مـورد اسـتفاده واقع شـود.